

ضمان قهری صدور چک بین بانکی بلاوجه و طرق اعاده خسارات از منظر فقهی- حقوقی

چکیده

امروزه با وجود سامانه‌هایی همچون «ساتنا» و «پایا» برای تراکنش‌های بین بانکی، همچون گذشته، از «چک رمزاربین بانکی» استفاده نمی‌شود؛ با وجود این، این چک‌ها به دلیل کوتاه بودن زمان انتقال وجه توسط آنها، همچنان مورد اقبال مشتریان بانکی بوده و از سوی دیگر، ابزار مناسبی نیز برای بزهکاران بانکی قرار داده است تا در کوتاه‌ترین زمان ممکن، اقدام به انتقال وجه نامشروع نمایند؛ لذا بررسی ابعاد فقهی و حقوقی این چک‌ها، موضوع بااهمیتی است که این پژوهش، به یکی از این ابعاد، یعنی بررسی ضمان قهری ناشی از صدور چک بین بانکی بلاوجه و طرق اعاده خسارات ناشی از آن، می‌پردازد.

پژوهش حاضر در گام نخست، به تحلیل ماهیت چک بین بانکی می‌پردازد که با توجه به دیدگاه فقها و متون قانونی دو نظریه در خصوص ماهیت چک بین بانکی به دست آمده است که عبارتند از: «سند دین در ذمه بودن چک» و «اعتبار مالی داشتن آن». از آنجا که قانون‌گذار در این خصوص، نظر روشنی ارائه نکرده است، با استفاده از برخی قرائن، نظریه اول صحیح به نظر می‌رسد. در گام دوم، با توجه به ماهیت چک مذکور، ضمان افراد مختلف دخیل در صدور چک، بررسی می‌گردد که براساس نظریه «سند دین در ذمه بودن بودن» چک بین بانکی، مسئولیت آن بر عهده «متقاضی چک مذکور» و «اشخاص ثالث معامله‌کننده با دارنده پول غصبی» است و براساس نظریه «اعتبار مالی دانستن»

*فارغ التحصیل مدرسه عالی قضاوت و کارشناس ارشد حقوق زن در اسلام و دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم.

چک، علاوه بر افراد ذکر شده، «متصدی بانک صادرکننده چک» نیز ضامن خواهد بود. در نهایت، این پژوهش به بیان شیوه‌های اعاده حق و جبران خسارات این بحث می‌پردازد که طبق نتیجه آن، مال باخته، علاوه بر دریافت عین مال خود از ذوالید و در صورت تلف شدن آن، بدل یا مثل آن از همه غاصبین یا هریک از آنها، می‌تواند عوض منافع را نیز از غصب‌کنندگان دریافت نماید.

کلیدواژگان: ضمان قهری، مسئولیت مدنی، غصب عین، غصب منفعت، چک بین بانکی، مالباخته، استرداد اموال مغضوبه.

مقدمه

صدور چک بین بانکی از جمله موضوعات مهم بانکی است که دارای ابعاد و جنبه‌های مختلف فقهی و حقوقی بوده و پیامدهای فراوانی نیز در این حوزه دارد که یکی از این مسائل، صدور چک بین بانکی بلاوجه است. گرچه امروزه با وجود سامانه‌هایی همچون «ساتنا» و «پایا»، همچون گذشته تراکنش‌های بین بانکی با «چک رمزدار بین بانکی» انجام نمی‌شود، اما کوتاه بودن زمان انتقال وجه توسط چنین چک‌هایی، سبب شده است تا این چک‌ها همچنان مورد استقبال مشتریان بانکی قرار گیرد و از طرف دیگر، ابزار مناسبی نیز برای بزهکاران بانکی فراهم کرده است تا در کوتاه‌ترین زمان، اقدام به انتقال وجه نامشروع نمایند.

از جمله پیامدهای این مسأله، سوء استفاده برخی متصدیان بانکی از اختیارات قانونی خود و صدور غیر قانونی چک بین بانکی است که سبب می‌شود تا دارنده چک، مبالغ نامشروع عمدتاً کلانی را دریافت کرده و به وسیله آن با اشخاص ثالثی معامله نماید و نتیجه این فرایند، شکل‌گیری سلسله‌ای از افراد غاصب در یک سو و افراد مال باخته در سوی دیگر است که برای احقاق حق خود، به دادگاه مراجعه می‌کنند. با توجه به آیه شریفه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» (بقره ۱۸۸)، تعیین چنین غاصبانی و نیز تعیین مسئولیت مدنی آنان، جهت جلوگیری از اکل مال به باطل، از اهمیت فراوانی برخوردار است و دقت و تعمق در این موضوع، مراجع قضایی ما را به اجرای عدالتی نزدیک‌تر می‌کند که مورد تأکید آیه ۵۸ سوره مبارکه نساء^۱ است. همچنین با بررسی مسئولیت مدنی صدور چک بین بانکی بلاوجه از منظر فقهی و حقوقی، کمک شایانی به قضات در پرونده‌های مربوطه یا موضوعات مشابه آن می‌شود.

۱. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»

از میان آثار و کتب فقهای امامیه اگرچه برخی از معاصرین در مورد چک تضمینی اظهار نظر نموده‌اند، اما با توجه به درون بانکی بودن قواعد و قوانین چک بین بانکی، فقهای امامیه به طور خاص، به بحث از چک یادشده نپرداخته‌اند و مباحث معاصرین نیز در واقع، شامل چک بانکی می‌شود؛ به همین جهت، باید ماهیت چنین چکی را بر اساس مبانی فقهی علما درباره اموال، بررسی نمود. در متون قانونی نیز قانون‌گذار هیچ نامی از چک بین بانکی نبرده و ماهیت حقوقی آن را روشن نکرده است و به همین دلیل، در مطالعه حقوقی این موضوع و تعیین حقوق مدنی چنین چک‌هایی نیز باید مصوبه شورای عالی بانک‌ها، آیین‌نامه داخلی بانک مرکزی در خصوص چک مذکور و قواعد عمومی را مورد مطالعه و ملاحظه قرار دهیم.

بر این اساس به دلیل عدم صراحت فقها و قانون‌گذاران درباره ماهیت چک بین بانکی، نویسندگان و پژوهشگران فقهی و حقوقی، به ندرت به این موضوع پرداخته‌اند و بنابراین، پژوهش پیرامون موضوع «ضمان قهری صدور چک بین بانکی بلاوجه و طرق اعاده خسارت‌های آن» می‌تواند نتایج مفیدی برای قانون‌گذاران به دنبال داشته باشد تا ماهیت چک بین بانکی و لوازم آن را قانون‌مند و از اختلاف آراء قضایی در خصوص این موضوع، جلوگیری نمایند.

پژوهش حاضر، سه مبحث مهم را بررسی می‌کند. با توجه به اینکه چک بین بانکی همانند چک بانکی از ضمانت اجرای بالایی برخوردار است، ممکن است این سؤال مطرح شود که این چک چه تفاوتی با پول دارد؟ ممکن است برخی، این چک را همچون پول تلقی کنند که عرفاً مال محسوب می‌شود؛ اما با توجه به مصوبه شورای عالی بانک‌ها در مورد چک بین بانکی، قرآنی وجود دارد که چک مزبور، مال نبوده و تنها سندی بر دین در ذمه است؛ بنابراین، جهت پاسخ به سؤال فوق، در ابتدا به بررسی ماهیت چک بین بانکی می‌پردازیم. بررسی‌ها در مورد ادله و فرض مذکور، بیانگر صحت قول دوم خواهد بود. با توجه به ماهیت چک بین بانکی و سوء استفاده‌های ناشی از آن، همچون خالی بودن حساب مشتری درخواست‌دهنده چک، در ادامه پژوهش، به بررسی این مسأله می‌پردازیم که از منظر فقهی و حقوقی، ماهیت چک بین بانکی چه تأثیری بر تعیین غاصبین دارد و با توجه به این بررسی است که می‌توان غاصبین را معین نمود. بر اساس سند بودن چک بین

بانکی، تنها دارنده چک مزبور و اشخاص ثالثی که با آن معامله کرده‌اند، غاصب خواهند بود؛ اما بر اساس مال بودن این چک، علاوه بر افراد یادشده، متصدی بانک نیز غاصب خواهد بود. در نهایت، مسأله تعاقب غاصبین مطرح می‌شود که باید بینیم بر اساس نظریات فقهی و حقوقی، مال باخته از چه شیوه‌هایی می‌تواند جهت دریافت خسارت، استفاده کند؟

۱- ماهیت فقهی - حقوقی چک بین بانکی

نوظهور بودن چک بین بانکی و عدم پرداختن به آن در قوانین موضوعه، سبب شده است تا موضع روشنی از سوی فقها و حقوقدانان در خصوص ماهیت این چک در دست نباشد؛ با این وجود، می‌توان با نظر به قواعد عمومی حقوقی (بند ۳ ماده ۱ قانون جدید صدور چک)، مبانی فقها در مورد اموال و فتاوی‌ای آنها درباره ماهیت چک بانکی را - با توجه به این نکته که ماهیت چک بین بانکی به دلیل تضمین پرداخت وجه آن توسط بانک، با ماهیت چک بانکی، یکسان است - به دو دسته تقسیم نمود. تعدادی از فقها، همچون امام خمینی و آیت‌الله منتظری چک تضمینی را همانند پول، دارای «اعتبار مالی» دانسته و آن را به عنوان مصداقی از مصادیق اموال، تلقی می‌کنند؛ بنابراین، خرید و فروش آن را صحیح دانسته و تلف‌کننده چک مذکور را ضامن می‌شمرند (تحریر الوسیله ۲: ۶۱۹ و رساله استفتاءات ۲: ۲۷۳). همچنین رأی شماره ۷۴ هیئت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۴۶/۱۰/۲۷ بر همین نظر تأکید دارد. اما در مقابل، با تعمق و تفحص در مصوبات شورای عالی بانک‌ها، آیین‌نامه بانک مرکزی در این خصوص و قرائن حقوقی، می‌توان چک بین بانکی را مانند چک عادی، تنها «سند دین در ذمه» دانست.

۱-۱. نظریه «مال» بودن چک بین بانکی و ادله آن

امروزه حساب‌های بانکی، همچون درهم و دینار قدیمی، به مثابه «مال» در معاملات استفاده می‌شوند؛ اما ظاهراً برخی از فقها، همچون امام خمینی و آیت‌الله منتظری، مالی که در مقابل دریافت کالا پرداخت می‌شود را منحصر در درهم و دینار یا حساب بانکی ندانسته و چک‌های تضمینی - که با توجه به قوانین اسناد تجاری کشور، شامل چک‌های بانکی و بین بانکی می‌شوند - را نیز جزو اموال و قابل خرید و فروش می‌دانند (تحریر الوسیله ۲: ۶۱۹ و رساله استفتاءات ۲: ۲۷۳). شاید تنها دلیل این گروه از فقها،

صدق عرفی مال بر چک بین بانکی باشد که البته این نظر و فتوای آنان، به وسیله رأی هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز مورد تأیید قرار گرفته و این امر نیز می‌تواند دلیل یا مؤید دیگری باشد.

شرع مقدس از تعریف مال خودداری کرده و جز در پاره‌ای از موارد،^۱ تعریف آن را به عرف واگذار نموده است. تقریباً همه فقهای امامیه نیز این موضوع را پذیرفته‌اند؛ از جمله آیت‌الله گلپایگانی، پس از نقد و تحلیل معانی گوناگونی که از مال ارائه شده است، در نهایت، می‌گوید: «الأمر ارجعُ إلى نظر العرف» (موسوی گلپایگانی، بلغة الطالب فی التعليق علی بیع المکاسب ۱۴، تحریر المجله ۱: ۱۲۸). بنابراین، شاید فقهایی که چک بین بانکی را مال می‌دانند، این چک را به دلیل ضمانت اجرایی که بانک در قبال پرداخت آن برعهده گرفته است، از نظر عرفی به مثابه اسکناس‌های رایج و حساب‌های بانکی تلقی می‌کنند؛ همچنان که امام خمینی درباره چک تضمینی^۲ می‌فرماید: «نعم الصک الذي یسمى فی ایران بالصک التضمینی یکون من الأوراق النقدية کالدینار والاسکناس فیصح بیعه و شرائه، و من ألتفه ضمن لمالکة کسائر الأموال». ایشان چک تضمینی را از اقسام اوراق نقدی می‌دانند و چنین چکی در ایران وجود ندارد، اما در ماده ۱ قانون «چک‌های تضمینی» مصوب ۱۳۳۷/۴/۲۲، قانون‌گذار، پرداخت این نوع چک را از طرف بانک، تعهد نموده است؛ بنابراین، باید عبارت فوق را حمل بر این معنا نمود که قطعی بودن پرداخت وجه، سبب می‌شود تا چک تضمینی، همچون اسکناس، دارای اعتبار مالی باشد و گرچه این دو با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند، اما در حکم و اعتبار مالی، یکسان هستند. طبق این بیان، یگانه دلیل کسانی که چک بین بانکی را مال محسوب می‌کنند، صدق عرفی مال بر چنین چک‌هایی است.

دلیل دیگری که برخی از حقوقدانان به آن تمسک کرده‌اند، رأی اصراری شماره ۷۴ هیئت عمومی دیوان عالی کشور^۳ است که به موجب آن، چک تضمینی، مشمول بلیت بخت‌آزمایی قرار گرفته است و جعل آن در حکم جعل اسکناس تلقی شده است. گرچه این رأی در خصوص چک تضمینی صادر شده است، اما بند ۳ ماده ۱ قانون صدور چک، چک تضمینی را چنان تعریف می‌کند

۱. مثل انسان حر، سگ و خوک برای مسلمان که علی‌رغم مال دانستن آن نزد برخی از مردم، شرع مقدس مال بودن موارد مذکور را امضا نکرده است.

۲. همچنان که بیان شد چک بین بانکی یکی از اقسام چک تضمینی است.

۳. مورخه ۱۳۴۶/۱۰/۲۷.

که منطبق بر چک بانکی و بین بانکی بوده و پرداخت وجه هر دو توسط بانک، تضمین شده است؛ بنابراین، می توان آراء صادر شده در مورد چک تضمینی را به چک بانکی و بین بانکی نیز تسری داد. بدین لحاظ، می توان گفت حقوق دانان نیز با استناد به رأی صادر شده از دیوان عالی کشور، چک بین بانکی را مال تلقی می کنند.

۱-۲. نظریه «سند بودن» چک بین بانکی و ادله آن

به نظر می رسد چک بین بانکی از جمله موضوعات تخصصی است که استناد به عرف عام برای تعیین ماهیت آن - که دلیل نظریه پیشین بود - چندان دقیق نبوده و باید ماهیت این چک را با توجه به نظرات عرف خاص بررسی نمود؛ همچنان که افرادی همچون دکتر ربیعا اسکینی و بهروز پرون نیز رأی هیئت عمومی دیوان عالی کشور را به دلیل اصراری و مشورتی بودن آن، لازم الاجرا ندانسته و به درستی، چک بین بانکی را فقط سند دین در ذمه می دانند (حقوق تجارت ۲۲۳ و بررسی حقوقی چک در قانون تجارت ۳۹). این نظریه دارای امارات مختلفی نیز است که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد: سازوکارهای قانونی برای صدور چک بین بانکی المثنی، ممنوعیت صدور چک مذکور در وجه حامل، مقایسه چک بین بانکی با چک عادی صادره از سوی شخص حقیقی موثق و توجه به تفاوت پشتوانه اسکناس و چک تضمینی. در ادامه به بررسی هریک از این امارات خواهیم پرداخت.

سازوکارهایی که از سوی قانون گذار برای صدور چک المثنی وضع شده است، عبارتند از: اطلاع رسانی کتبی صاحب چک درباره مفقود شدن چک بین بانکی به شعبه صادرکننده، کنترل مهر و امضاهای مربوطه توسط بانک صادرکننده و اخذ تعهدنامه اعلام مفقودشدگی و نهایتاً صدور چک بین بانکی المثنی (چک های بین بانکی، برگرفته از سایت <http://www.banksepah.ir>). این سازوکارها دلالت بر این دارند که قانون گذار، چک بین بانکی را به مثابه مال لحاظ نموده است؛ چرا که اگر این چک، مال تلقی می شد، مفقود شدن آنی نیز باید براساس قاعده اقدام، به مثابه تلف مال تلقی شود و بانک اقدام به صدور چک المثنی ننماید؛ همچنان که بانک برای پول های نقدی مفقودی نیز اقدام به صدور المثنی نمی کند. علاوه بر این، شعبه صادرکننده در صورتی حق صدور

چک المثنی را دارد که چک مفقود شده، نقد نشده باشد که این خود، قرینه دیگری است بر اینکه چک مذکور، مال نبوده و به مثابه یک سند لحاظ می‌گردد.

ممنوعیت صدور چک‌های مذکور در وجه حامل، دومین نشانه سند بودن چک بین بانکی و نیز چک تضمینی است. طبق شرایط و مقررات عمومی صدور چک بین بانکی، بانک‌ها باید چک را به نام کسی صادر نمایند که متقاضی چک، آن را درخواست کرده است و صدور آن در وجه حامل، ممنوع است (چک‌های بین بانکی، برگرفته از سایت <http://www.bmi.ir>). اگرچه این شرایط و مقررات تا چندی پیش، در خصوص چک‌های تضمینی وجود نداشت و صدور آن در وجه حامل، ممنوع نبود، اما بانک مرکزی در بخشنامه مورخ ۱۳۹۷/۹/۱۱، چک‌های تضمینی ظهرنویسی شده را فاقد اعتبار خواند و صدور این نوع چک‌ها را تنها در وجه ذی نفع، امکان پذیر دانست (به نقل از سایت بانک مرکزی به آدرس <http://www.cbi.ir>).

امام خمینی (ره) در خصوص یکی از لوازم مال بودن چک‌های تضمینی فرمودند: «فیصح بیعه و شرائه» (خمینی، تحریر الوسیله ۲: ۶۱۹)؛ در حالی که بر اساس بخشنامه فوق، امکان نقل و انتقال و خرید و فروش چنین چک‌هایی به هیچ عنوان، وجود ندارد. بنابراین، به نظر می‌رسد اگر این بخشنامه در زمان حیات امام خمینی (ره) و مرحوم آیت‌الله منتظری ابلاغ می‌شد، ایشان فتوا به مالیت این چک‌ها نمی‌دادند.

البته قانون‌گذار در ماده ۳۱۲ قانون تجارت با عبارت «چک ممکن است در وجه حامل... باشد»، اجازه صدور چک در وجه حامل را به صاحب چک داده است؛ اعم از اینکه چک مزبور، تضمینی باشد یا غیر تضمینی. همچنین ماده ۳۱۴ قانون تجارت، رعایت مقررات مربوط به ظهرنویسی برات را در مورد چک، الزامی دانسته است. بنابراین، بخشنامه بانک مرکزی، خلاف قانون و فاقد اعتبار بوده و رعایت آن برای مشتریان بانکی و کارمندان بانک، الزامی نیست.

سومین اماره بر سند بودن چک بین بانکی، مقایسه آن با چک عادی است که از سوی یک شخصیت حقیقی مطمئن، صادر می‌شود. اگر چک بین بانکی صادره از سوی بانک را دارای اعتبار مالی بدانیم، لازم است چک عادی را که یک شخص حقیقی قابل اطمینان، صادر کرده است را نیز دارای اعتبار مالی

بدانیم؛ چراکه در هر دو صورت، اطمینان به وصول چک از ناحیه صادرکنندگان وجود دارد. این در حالی است که هیچ فرد یا نهادی، مال بودن چک عادی مذکور را تایید نمی‌کند و بنابراین، چک بین بانکی نیز همچون چک عادی مورد اشاره، اعتبار مالی نداشته و صرفاً یک سند محسوب می‌شود.

آخرین اماره در مورد سند بودن چک بین بانکی که برخی از حقوقدانان نیز آن را مطرح نموده‌اند، توجه به تفاوت پشتوانه اسکناس و چک‌های تضمینی است. از آنجا که پشتوانه اسکناس، بانک مرکزی و دولت است، مردم به عنوان مال به آن اعتماد می‌کنند؛ اما پشتوانه چک‌های تضمینی، بانک‌هایی هستند که حداقل به لحاظ نظری، امکان ورشکستگی آنان وجود دارد و بنابراین، اعتبار مالی چک‌های صادره از سوی این بانک‌ها نیز خدشه‌دار می‌شود. همچنان که در سال‌های اخیر نیز برخی از مؤسسات مالی و اعتباری که دارای مجوز از سوی بانک مرکزی بوده‌اند نیز دچار ورشکستگی شده‌اند؛ اما امکان ورشکستگی دولت و بانک مرکزی به این معنا، وجود ندارد.

نتیجه آنکه با مراجعه به عرف خاص همانند بسیاری از حقوقدانان، سند بودن چک بین بانکی بلاوجه قابل اثبات است و اماراتی که بیان شد نیز ادعای مال بودن چک مذکور از نظر عرف و رأی اصراری هیئت عمومی دیوان عالی کشور را نیز رد می‌نماید؛ لذا می‌توان گفت از منظر فقه امامیه، چک بین بانکی، تنها به عنوان سندی است که بیانگر دین در ذمه است.

۲. ضمان قهری دریافت‌کنندگان چک بین بانکی و پول حاصل از آن

اهمیت تعیین ماهیت چک بین بانکی زمانی روشن می‌شود که به نقش آن در تعیین غاصبین توجه کنیم؛ چراکه بر اساس قوانین موضوعه کشور و فقه امامیه، اگر چک بین بانکی به عنوان سند شناخته شود، رئیس شعبه بانکی که چک مزبور را صادر نموده است، عهده‌دار هیچ‌گونه ضمانتی نخواهد بود و علت آن، عدم تعلق ید او بر مال مغضوبه است. اما اگر چک مذکور به عنوان مال تلقی شود، وی واجد مسئولیت مدنی و ضمان قهری خواهد بود. در این میان، دارنده چک و اشخاص ثالثی که پولی را از طریق چک دریافت کرده‌اند، در هر دو صورت، به علت دریافت پول حاصل از چک، ضامن استرداد پول دریافتی و جبران خسارات ناشی از آن به مال باخته خواهند بود.

۱-۲. ضمان قهری «متصدی بانک» و «متقاضی صدور چک در وجه شخص دیگر»

براساس بند «پ» ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، می‌توان رئیس متخلف بانکی را که چک بین بانکی را صادر نموده است، به جرم «معاونت در خیانت در امانت»، مورد تعقیب کیفری قرار داد و به همین صورت، متقاضی صدور چک بین بانکی در وجه شخص ثالث نیز قابل تعقیب است؛ با این وجود، از منظر فقهی و قانونی، ضمان قهری این دو فرد، براساس ماهیت چک بین بانکی، متفاوت است. براساس نظریه‌ای که چک بین بانکی را مال می‌داند، این دو فرد، واجد مسئولیت مدنی هستند؛ اما براساس نظریه‌ای که این چک را سند می‌داند، آنان ضامن استرداد پول غصب شده و جبران خسارات ناشی از آن نیستند.

برخی از فقها، با استناد به مال بودن چک بین بانکی، دو فرد مورد بحث را واجد ضمان قهری می‌دانند؛ چراکه وقتی چک بین بانکی به عنوان مال، محسوب شود، رئیس بانک که به صورت غیرقانونی، چک را صادر کرده و در اختیار متقاضی صدور چک قرار داده است، اولین یدی است که به صورت عدوانی، به مال غیر، تعلق گرفته است و متقاضی چک نیز آن را به دارنده، تحویل داده است. فقها غصب را چنین تعریف می‌کنند: «هو الاستقلال بإثبات الید علی مال الغير عدواناً» (حلی، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام ۳: ۱۸۴). علاوه بر این، می‌توان با تمسک به ادله‌ای، ضمان قهری را برای رئیس شعبه و متقاضی صدور چک مذکور، احراز نمود. از جمله این ادله، اولاً روایاتی همچون «الغصب کلّه مردوده» (وسائل الشیعه ۹: ۵۲۴)، ثانیاً قواعدی همچون قاعده «علی الید ما أخذت حتی تؤدی» (عوالی اللئالی ۱: ۲۲۴، سنن البیهقی ۶: ۹۰، و کنز العمال ۵: ۲۵۷) است که با توجه به شهرت عملی آن، بسیاری از علما، همچون سید جواد عاملی، سید علی طباطبایی، محقق نراقی و شیخ انصاری، آن را پذیرفته‌اند (مفتاح الکرامة ۶: ۲۲۸، ریاض المسائل ۸: ۲۵۴، عوائد الأيام ۳۱۵ و کتاب المکاسب ۳: ۱۸۱) و ثالثاً مؤیداتی مانند ادعای اجماع منقول و محصل از سوی صاحب جواهر (۳۷: ۷۵) است.

۱. فاضل آبی، شهید اول، شهید ثانی، میرزا حبیب‌الله رشتی و محقق خوبی (ره) از جمله علمایی هستند که چنین تعریفی را از غصب ارائه داده‌اند (کشف الرموز ۲: ۳۸۰، الدرر ۳: ۱۰۵، الروضة البهیة ۷: ۱۳ و مسالک الأفهام ۱۲: ۱۴۵، کتاب الغصب: ۶ و منهاج الصالحین ۲: ۱۴۶).

علاوه بر ادله فقهی، از منظر قانونی نیز ماده ۳۰۸ قانون مدنی که سلطه ابتدایی بر حق مالی غیر، بدون رضایت مالک را غصب محسوب می‌کند، مسئولیت مدنی این افراد را ثابت کرده و قانون‌گذار، تکلیف آنان را در ماده ۳۱۱ قانون مزبور، روشن نموده است. بنابراین، طبق ادله فقهی یادشده و مواد قانون مدنی که اشاره شد، رئیس بانک صادرکننده چک مذکور و متقاضی آن در وجه شخص ثالث، مسئول استرداد مال باخته بوده و باید خسارات حاصل از آن را جبران نمایند.

اما بر اساس نظریه سند بودن چک بین بانکی، هیچ‌گونه ضمانتی از منظر فقهی و حقوقی، متوجه متصدی بانک صادرکننده و متقاضی صدور چک در وجه غیر نمی‌شود؛ چراکه در صورت صدور چنین چکی، دو شخص مذکور، تنها بر چکی تسلط یافته‌اند که سندی بیش نبوده و بر اساس تعریف فقهی و قانونی غصب، بدین دو نفر، تعلق بر مال غیر نگرفته است و در نتیجه، مشمول تعریف غصب و تکالیف ناشی از آن نمی‌شود. تنها چیزی که می‌توان درباره آنان گفت این است که رئیس بانک، چک را به صورت غیر قانونی در اختیار متقاضی قرار داده و او نیز آن را به شخص ثالث واگذار نموده است. بنابراین، ضمان قهری و استرداد پول غصب شده از دو فرد مورد بحث، منتفی است. بنابراین تعیین ماهیت چک بین بانکی، تأثیر اساسی در مسئولیت مدنی ضمان قهری آن داشته و بر اساس فقه امامیه و قوانین موضوعه، دو فرد مورد بحث، زمانی ضامن ارجاع اموال و خسارات وارده بر مال باخته هستند که چک ذکر شده، مال محسوب شود؛ همچنان که در هر صورت، رئیس بانک ناگزیر از تحمل مسئولیت کیفری است. اما در صورتی که چک بین بانکی به عنوان سند معرفی شود، هیچ‌گونه ضمانتی متوجه متصدی بانک و متقاضی صدور چک ذکر شده در وجه ثالث نخواهد بود.

۲-۲. ضمان قهری «دارنده چک بین بانکی» و «اشخاص ثالث»

تأثیری که نظریات مربوط به ماهیت چک بین بانکی بر ضمان رئیس بانک و متقاضی چک می‌گذاشتند، در خصوص دارنده این چک صادق نیست و به عبارت دیگر، دارنده چک بین بانکی، در هر صورت، در برابر مال باخته دارای ضمان قهری و مسئولیت مدنی است؛ چه قائل به نظریه مال بودن چک بین بانکی باشیم و چه نظریه سند بودن آن را بپذیریم و در این خصوص، تفاوتی

نمی‌کند که دارنده چک، متقاضی چک یا غیر او باشد. به همین صورت، اشخاص ثالثی که پول حاصل از چک مزبور را از دارنده چک، دریافت نموده‌اند نیز ضامن استرداد اموال و جبران خسارات حاصل از آن هستند.

دارنده چک به این دلیل بر اساس نظریه مال بودن چک بین بانکی، ضامن است که پس از واریزوجه چک به حساب دارنده آن، ید او بر مال غیر، مسلط شده و مفهوم غصب، محقق می‌شود. همچنین پذیرش نظریه سند بودن چک بین بانکی نیز منجر به پذیرش ضمانت دارنده چک می‌گردد؛ چون ید غاصبانه او بر چک، به عنوان مال، مستولی شده است و در فرض تعاقب ایادی نیز فقها نظر بر ضمانت هر ید به صورت علی‌البدل دارند.^۱ بنابراین، مال یا سند بودن چک بین بانکی، تاثیری در ضمانت دارنده چک ندارد و وی بر اساس ضوابط فقهی و قانونی، مسئول بازپرداخت پول غصب شده به مال باخته بود و خسارات ناشی از آن را باید جبران نماید.

اما در خصوص اشخاص ثالث نیز اصل ضمانت قهری آنان، بنا بر فرض تعاقب ایادی، ثابت است؛ علاوه بر این، ماده ۳۱۶ قانون مدنی نیز بر این امر دلالت دارد. همچنین طبق اطلاق کلام فقها و تصریح قانون‌گذار در ماده ۳۲۷ قانون مدنی، تفاوتی در سبب حصول مال تحت ید آنان در ایجاد ضمانت قهری وجود ندارد. بنابراین، با توجه به منابع فقهی و قانونی، اشخاص ثالث، بدون توجه به اسباب انتقال این پول به آنان و با قطع نظر از ماهیت چک بین بانکی، دارای مسئولیت مدنی در مقابل مال باخته هستند.

همچنین عنوان ضمانت قهری در مسأله مذکور، به این معناست که اشخاص ثالث، حتی در فرض جهل به غصبی بودن عمل دارنده چک نیز ضامن هستند. برخی از فقهای امامیه، همچون ابن حمزه، یحیی بن سعید حلّی، علامه حلّی، مرحوم سبزواری، امام خمینی (ره) و آیت‌الله مکارم، با حذف واژه «عدوانی» از تعریف غصب و ارائه تعریفی دقیق‌تر از آن با عنوان «الغصب هو الاستیلاء علی حقّ الغير بغیر حقّ»، اذعان می‌کنند که علم و جهل در یافت‌کننده پول، نسبت به غصبی

۱. فرض ضمانت همه غاصبین در تعاقب ایادی به ادعای صاحب جواهر، مورد اتفاق همه فقهای امامیه است و در آثار بسیاری از فقها، از جمله شهید اول و شهید ثانی، محقق عاملی، محقق سبزواری و محقق خویی یافت می‌شود. (جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام ۲۲: ۱۷۸، الدروس الشرعية فی فقه الإمامیة ۳: ۱۰۸، الروضة البهیة ۷: ۲۵، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة ۱۸: ۳۴ و ۹۲، کفایة الأحکام ۲: ۶۴۹ و منهاج الصالحین ۲: ۱۴۶)

بودن مال دریافتی، هیچ تاثیری در غاصب بودن وی ندارد. (الوسيله الى نیل الفضيله ۲۷۶، الجامع للشرايع ۳۴۶، تلخیص المرام ۱۶۷، مهذب الأحكام ۲۱: ۲۸۷، منهاج المومنین ۲: ۱۴۸، زبدة الاحكام ۱۹۰ و القواعد الفقهية ۲: ۲۳۷). ماده ۳۲۵ قانون مدنی نیز حاکی از آن است که ملاک مسئولیت مدنی دارنده چک، تعلق ید او بر اموالی است که غصب شده است؛ صرف نظر از اینکه غاصبین، علم به غصب داشته باشند یا خیر. بنابراین، ضمانت اشخاص ثالث، تنها محدود به صورتی نیست که آنان علم به غصبی بودن عمل دارنده چک داشته باشند و به عبارت دیگر، جهل این افراد به غصب، رافع مسئولیت مدنی آنان نخواهد بود.

طبق آنچه بیان شد، برخلاف «رئیس بانک صادرکننده چک بین بانکی» که فقط طبق نظریه مالی بودن چک بین بانکی ضامن بود، «دارنده چک بین بانکی» و «اشخاص ثالث دریافت کننده پول ناشی از آن»، طبق هر دو نظریه درباره ماهیت چک بین بانکی، ضامن بوده و این افراد، بر اساس روایات، قواعد فقهی و قوانین موضوعه، در مقابل مال باخته دارای مسئولیت مدنی هستند.

۳. شیوه‌های اعاده حق و جبران خسارات

پس از تشخیص و تعیین غاصبین، ضروری است تا شیوه‌ها و راه‌های جبران اموال و خسارات مال باخته را بیان نماییم. مال باخته از یک سو به دنبال تدارک اموالی است که از دست داده است و از سوی دیگر، منفعی را طلب می‌کند که در مدتی که عین مال در اختیار غاصب بوده است، از وی فوت شده است. در صورتی که عین پول در تسلط ذوالید باشد، مال باخته تنها می‌تواند به غاصب ذوالید مراجعه کند؛ اما اگر عین پول، تلف شود یا به علت اختلاط با سایر پول‌ها در حکم تلف، تلقی شود، مالک می‌تواند جهت دریافت عوض یا بدل حیلوله، به هریک از غاصبین مراجعه کند و جهت دریافت منافع پول مغضوب نیز به شرحی که خواهد آمد، به هریک از غاصبین رجوع نماید.

۳-۱. فرض وجود عین مال مغضوب

در فرض بقای عین، مال باخته برای به دست آوردن مال خود، هم می‌تواند به غاصب ذوالید رجوع نماید و هم به هریک از غاصبینی که خود بخواهد؛ با این وجود، بر اساس فقه امامیه و حقوق موضوعه، رجوع به غاصب ذوالید، منطقی‌تر، سریع‌تر و راحت‌تر خواهد بود. در صورتی که اشخاص

ثالث، از دارنده چک بین بانکی، وجه نقد دریافت کرده باشند، بقای عین آن، امر معقول و روشنی است؛ اما اگر انتقال وجه از طریق حساب های بانکی به وسیله دستگاه کارت خوان یا عابر بانک محقق شود، تصور بقای عین پول، به راحتی میسر نمی شود؛ بنابراین، حکم مسأله در مورد پول نقد و حساب بانکی متفاوت خواهد بود و اولاً مال باخته به فتاوی فقها و حقوق موضوعه، می تواند به اختیار خود، به هریک از غاصبین مراجعه نماید و ثانیاً اگر انتقال وجه از طریق پول نقد باشد، گیرنده این پول، غاصب ذوالید خواهد بود و اگر به وسیله دستگاه عابر بانک یا کارت خوان صورت پذیرد، در صورتی که پول موجود در حساب های بانکی را مال عینی بدانیم، سپرده گذار، غاصب خواهد بود.

رجوع به همه غاصبین راهکاری است که فقهای امامیه و قوانین موضوعه در صورت بقای عین مال مغضوب، پیش روی مال باخته قرار داده اند. فقهای بسیاری، همچون شهید ثانی، آیت الله مکارم شیرازی و سید تقی طباطبایی قمی در صورت وجود عین در فرض تعاقب ایادی، معتقد به رجوع مال باخته به هریک از غاصبین هستند (الروضه البهیه ۷: ۳۶، أنوار الفقاهة - کتاب البیع: ۳۷۹ و عمدة المطالب فی التعلیق علی المکاسب ۲: ۴۲۰). ماده ۳۱۷ قانون مدنی نیز هم سو با فتوای فقهای امامیه، تکلیف مال باخته را در فرض مسأله، چنین بیان می کند: «مالک می تواند عین... را از غاصب اولی یا از هریک از غاصبین بعدی که بخواهد، مطالبه کند». بنابراین نظر به فقه امامیه و قوانین موضوعه، مال باخته در صورت بقای عین می تواند به هریک از غاصبین رجوع نماید.

انتقال وجه نقد از سوی دارنده چک بین بانکی به اشخاص ثالث، آنان را در صورت بقای پول، تبدیل به غاصب ذوالیدی می کند که مال باخته می تواند همچون دیگر غاصبین، به ایشان مراجعه کند. ضمانت غاصب ذوالید از جمله احکام مسلم فقه است؛ به گونه ای که شهید اول درباره آن ادعای اجماع نموده (الدروس الشرعية فی فقه الإمامیه ۳: ۱۰۹) و فقهای همچون محقق حلی، شهید ثانی و مرحوم سبزواری نیز به ضمان غاصب ذوالید، تصریح نموده اند (شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام ۳: ۱۸۸، الروضة البهیه ۷: ۳۶ و کفایة الأحکام ۲: ۶۳۸). قانون گذار نیز ناظر به فقه امامیه در صدر ماده ۳۱۱ قانون مدنی، تأکید کرده است که مسئولیت رد عین غصب شده به مال باخته، بر عهده غاصب ذوالید قرار دارد.

انتقال وجه از طریق دستگاه عابربانک یا کارت خوان در صورتی موجب ذوالید بودن اشخاص ثالث می‌شود که وجه موجود در حساب بانکی را همانند پول فیزیکی، عین موجود محسوب کنیم. در نظر عرف موجود، پول تحریری موجود در حساب، همچون پول فیزیکی، مالیت و عینیت دارد؛ به‌گونه‌ای که هر فردی، پول‌های موجود در حساب‌های بانکی خود را جزء اموال خود و به‌عنوان مال عینی محسوب می‌کند. شاید به همین خاطر است که امام خمینی (ره) از سپرده‌های بانکی به‌عنوان ودیعه و امانت نزد بانک یاد می‌کند (توضیح المسائل ۲: ۷۹۱). اما آیت‌الله مکارم شیرازی سپرده‌های بانکی را نوعی اقتراض به بانک می‌داند که در نتیجه آن، پول‌های موجود در حساب‌های بانکی، در زمره اموال دینی سپرده‌گذار قرار دارد و نه اموال عینی او (بحوث فقهیه هامة ۳۴۵). بنابراین، در صورتی که حساب‌های بانکی به‌عنوان اموال عینی محسوب شوند، می‌توان اشخاص ثالثی که پول ناشی از چک بین بانکی را از طریق انتقال از دستگاه عابربانک یا کارت‌خوان به حساب خود، دریافت نموده‌اند را به‌عنوان غاصب ذوالید معرفی نمود.

به نظر می‌رسد قول به پذیرش مال بودن وجوه موجود در حساب‌های بانکی، صحیح‌تر باشد. اگرچه در خصوص ماهیت چک بین بانکی، اعتقاد عرف عام، مبنی بر مال بودن چک مزبور به علت مخالفت آن با عرف خاص و پاره‌ای از امارات قانونی، پذیرفته نشد، اما در بحث حاضر، از آنجا که تشخیص اموال در فقه (جز در مواردی خاص که شارع، استثناء نموده است) به عرف واگذار شده و دلایلی مخالف با عرف عام نیز وجود ندارد، قول صحیح آن است که برای حساب‌های بانکی، اعتبار مالی قائل شده و به آثار و لوازم آن ملتزم شویم؛ از جمله اینکه رجوع مال باخته به اشخاص ثالثی که از طریق انتقال پول غصبی به حساب آنان بر این پول مسلط شده‌اند را ممکن بدانیم.

بنابراین، طبق بررسی فقهی و قانونی که انجام دادیم، مال باخته در صورت بقاء عین و تعاقب ایادی، می‌تواند به هر یک از غاصبین که بخواهد، رجوع نماید؛ اگرچه ساده‌ترین و سهل‌ترین راه برای وی، مراجعه به غاصب ذوالید است. بنابراین، اگر پول‌های حاصل از چک بین بانکی به صورت وجه نقد یا با انتقال به حساب بانکی از طریق دستگاه کارت خوان یا عابربانک دریافت شود، طبق نظریه مال بودن پول موجود در حساب‌های بانکی، اشخاص ثالث به‌عنوان غاصب ذوالید، مسئول بازگرداندن عین پول هستند.

۲-۳. فرض تلف شدن عین مال مغضوب

در صورتی که پول غصب شده، تلف شود یا در حکم تلف قرار گیرد، در نگاه ابتدایی، تنها راه مال باخته برای تدارک اموال خویش، رجوع به غاصب تلف کننده است؛ چراکه وی مال مغضوب را تلف نموده است. اما نظر دقیق تر این است که بگوییم در صورت تلف شدن یا عدم امکان استرداد عین پول غصب شده، وی می تواند با وجود نکاتی به هر یک از غاصبین که قبل از حکم به تلف، پول در اختیار آن ها بوده است برای دریافت مثل آن مراجعه کند؛ بنابراین، اولاً؛ در فرض تلف، غاصبین ضامن استرداد مثل مال مغضوب هستند و در صورت عدم امکان رد عین، باید بدل حیلوله را پرداخت نمایند، ثانیاً مال باخته اگر برای تدارک اموال خود، به غاصب متلف عالم رجوع کرد، حق مراجعه به دیگران را ندارد؛ اما اگر به غیر متلف مراجعه کرد، وی می تواند یا به متلف و یا به لاحقین بعد از خود رجوع کند و ثالثاً ضامن بر عهده کسی است که مال در دست او تلف شده و وی عالم به غصب بوده است.

در واقع، استرداد مثل پول غصب شده در صورت تلف و استرداد بدل حیلوله در فرض عدم امکان رد آن به مال باخته، ضمانت اجرای مسئولیت مدنی غاصبین است. با از بین رفتن وجه نقدی حاصل از چک بین بانکی، تلف مال محقق می شود و در نتیجه، غاصبین، ضامن استرداد مثل اموال تلف شده هستند؛ همچنان که قریب به اتفاق فقهای امامیه، همچون فاضل آبی، محقق حلی، علامه حلی، شیخ انصاری و امام خمینی (ره) به این امر معتقد بوده و صدر ماده ۳۱۱ قانون مدنی^۱ نیز بر آن تصریح می کند (کشف الرموز ۲: ۳۸۱، شرائع الإسلام ۳: ۱۸۹، تلخیص المرام ۱۶۸، کتاب المکاسب ۳: ۲۰۹ و زیادة الأحکام ۱۹۱). در فرضی دیگر، ممکن است مال تلف نشود، اما به جهت عدم امکان رد آن به مالک، در حکم تلف تلقی شود؛ مانند موردی که وجه چک بین بانکی از طریق دستگاه خودپرداز یا کارت خوان به حساب اشخاص ثالث منتقل شده است که طبق نظر فقهای همچون آیات عظام خوئی، تبریزی و سیستانی که پول های واریز شده در بانک را مجهول المالک و در حکم تلف می دانند (به نقل از استاد محمدتقی شهیدی در درس خارج فقه، مورخ ۹۷/۰۴/۰۴، برگرفته از سایت www.eshia.ir)، این وجوه

۱. «... اگر عین تلف شده باشد باید مثل یا قیمت آن را بدهد...»

در حکم تلف خواهند بود. در چنین فرضی، مطابق فتوای تعدادی از فقها، همچون امام خمینی (ره) و تصریح قانون‌گذار در ماده ۳۱۱ قانون مدنی، غصب‌کنندگان، موظف به پرداخت بدل حیلوله خواهند بود (تحریر الوسیله ۲: ۱۸۳ و کتاب البیع ۳۴۴).

در صورتی که مال باخته جهت دریافت مثل اموال خود به متلف عالم به غصب، رجوع کند، وی (متلف عالم) حق مراجعه به سایر غاصبین را ندارد؛ اما در صورت مراجعه مال باخته به غیرمتلف، وی (غیرمتلف) می‌تواند یا به متلف عالم یا به هریک از غاصبین بعد از خود مراجعه کند و آنان نیز به همین صورت، می‌توانند به غاصبین بعد از خود رجوع کنند تا این سلسله به کسی منتهی شود که مال در دست او قرار دارد. شهید ثانی، مرحوم سبزواری و امام خمینی (ره) معتقد به رجوع مال باخته به غاصبین از طرق مذکور هستند (روضه البهیه ۷: ۲۵، کفایة الأحکام ۲: ۶۴۹، زبدة الأحکام ۱۹۱ و ۱۹۲)؛ همچنان که قانون‌گذار نیز در ماده ۳۱۸ و ۳۲۵ قانون مدنی به این حکم تصریح دارد. با این وجود، مال باخته می‌تواند جهت استرداد مثل اموال خود، به جای متلف عالم، به غاصبین غیرمتلف نیز مراجعه نماید و در این صورت، آنان نیز پس از پرداخت اموال، حق مراجعه به متلف عالم را دارند.

از جمله آثار تلف مال مغضوب، استقرار ضمان بر عهده کسی است که مال در دست او تلف شده است. در میان فقها شهید اول و مرحوم سبزواری از جمله افرادی هستند که تصریح به استقرار ضمان بر ذمه متلف عالم نموده‌اند (الدروس الشرعية فی فقه الإمامیة ۳: ۱۰۸، کفایة الأحکام ۲: ۶۴۹). ماده ۳۱۸ و ۳۲۵ قانون مدنی نیز استقرار چنین ضمانی را پذیرفته است.

بنابراین با مراجعه به آثار فقها و مطالعه قوانین موضوعه، اگر امکان استرداد اموال غصب‌شده وجود نداشته باشد، افراد غاصب باید بدل حیلوله را پرداخت کنند و در صورت تلف نیز مکلف به پرداخت مثل اموال غصب‌شده به مال باخته هستند و گرچه مال باخته می‌تواند به هریک از غاصبین رجوع نماید، اما در نهایت، فقط غاصبی ضامن است که مال غصبی در دست او تلف شده و وی عالم به غصب بوده است.

۳-۳. منافع مال غصب‌شده

در این بخش، به بررسی وضعیت منافع مال غصب‌شده در زمان غصب می‌پردازیم. این منافع به سه بخش تقسیم می‌شوند: منافع مستوفاه، منافع غیرمستوفاه و خسارات ناشی از افزایش تورم و

کاهش ارزش پول. قانون‌گذار در مورد ضمان منافع مستوفاه و غیر مستوفاه، از فقهای امامیه تبعیت کرده است؛ اما در خصوص قسم سوم، با مشهور فقها مخالفت کرده و محکوم علیه را ضامن جبران خسارات ناشی از کاهش ارزش پول می‌داند، اما کمتر فقیه‌ی پیدامی‌شود که قائل به ضمان افزایش قیمت بدهی ناشی از تورم در پول باشد. در ادامه، به بررسی حکم این سه قسم خواهیم پرداخت. منافع مستوفاه، منافی هستند که شخص پس از استیلاء بر مال دیگری، از آن بهره‌مند می‌گردد (محقق داماد، قواعد فقه ۱: ۷۰)؛ مثل آن که غاصبین، پول حاصل از چک بین بانکی را به مضاربه گذاشته و از سود آن بهره‌مند شوند. شهید ثانی، محقق خویی و مرحوم سبزواری و بسیاری از فقهای دیگر، غاصبین را نسبت به منافع مستوفاه مسئول می‌دانند (الروضه البهیة ۷: ۲۷، منهاج الصالحین ۲: ۱۴۶ و مهذب الأحکام ۲۱: ۳۱۳) و ماده ۳۲۰ قانون مدنی نیز این نظر را می‌پذیرد؛ بنابراین، ضمان منافع مستوفاه، از جمله منافی است که فقه و قانون مسئولیت آن را به طور مسلم، بر عهده غاصبین نهاده است.

منافع غیر مستوفاه، منافع ممکن‌الوصولی هستند که شخص با استیلاهی بر مال، مالک را از آن محروم کرده و خود نیز از آن بهره‌ای نبرده است (محقق داماد، قواعد فقه ۱: ۷۰). گرچه ممکن است غاصبین تنها عین پول ناشی از چک بین بانکی را غصب کنند، اما از آنجا که سرمایه در بانک، همیشه سودآوری دارد، منافع غیر مستوفاتی نیز برای این پول، قابل تصور است. مشهور فقهای امامیه و نیز قوانین حقوقی موجود، ضمان این نوع منافع را نیز بر عهده غاصبین قرار داده‌اند. البته برخی از فقها، همچون شیخ انصاری که ضمان این منافع را قول مشهور فقها می‌داند و در میان فقهای معاصر نیز آیت‌الله فاضل لنکرانی، ضمان این منافع را نمی‌پذیرند (کتاب مکاسب ۳: ۲۰۳؛ جامع المسائل ۲: ۴۲۷). در مقابل، بسیاری از فقهای معاصر، همچون امام خمینی (ره) و آیت‌الله مکارم شیرازی، این ضمان پذیرفته‌اند (کتاب البیع ۱: ۴۷۵ و القواعد الفقهية ۲: ۲۴۰) و ماده ۳۲۰ قانون مدنی نیز آن را معتبر دانسته است.

البته به لحاظ قانونی، علاوه بر ماده فوق، بر اساس ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری نیز هر رفتاری که توأمان واجد جنبه عمومی و خصوصی باشد،^۱ شاکی می‌تواند طبق ماده ۱۴ قانون مذکور

۱. ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری: «ارتکاب جرم می‌تواند موجب طرح دو دعوا شود: الف - دعوای عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی

و تبصره ۲ آن، علاوه بر تقاضای صدور کیفرخواست و محاکمه کیفری، منافع غیر مستوفاه ناشی از انجام جرم را نیز مطالبه نماید؛ بدین ترتیب، در بحث ما نیز مال باخته می‌تواند علاوه بر تقاضای محاکمه کیفری،^۱ بر اساس مواد ذکر شده، منافع غیر مستوفاه ناشی از جرم مذکور را نیز مطالبه نماید. بنابراین، بر اساس فتوای مشهور فقها و متون قانونی، می‌توان مسئولیت جبران منافع غیر مستوفاه را نیز همچون منافع مستوفاه، بر عهده غاصبین قرارداد.

آنچه در خصوص منافع مستوفاه و غیر مستوفاه بیان شد، اختصاصی به مئمن نداشته و ضمانت یاد شده، شامل هر مال مغضوبی که ثمن و هر آنچه از جنس ثمن باشد، مانند پول حاصل از چک بین بانکی، نیز می‌شود. یکی از مستندات فقها برای ضمان منافع مستوفاه و غیر مستوفاه، قاعده «علی الید» است و از آنجا که موضوع قاعده مزبور، «مال» و توابع آن، یعنی دو منفعت مذکور است، در جبران خسارات وارده بر مال باخته، تفاوتی نمی‌کند که مال غصب شده ثمن باشد یا مئمن؛ همچنانکه اطلاق کلام قانون‌گذار در ماده ۳۲۰ قانون مدنی نیز دلالت بر همین ادا دارد و عبارت «مال مغضوب» در این ماده، اعم از منافع ثمن و مئمن بوده و شامل هر دو می‌شود.

اما در خصوص خسارت ناشی از افزایش تورم و کاهش ارزش پول غصب شده، قانون‌گذار بر خلاف نظر مشهور فقها، افراد غصب شده را ضامن جبران این خسارات می‌داند. در شرایط اقتصادی کنونی، معمولاً ارزش پول غصب شده در روز غصب در مقایسه با روز بازپرداخت آن، متفاوت است و بر همین اساس، مال باختگان از این اختلاف ارزش نه به عنوان سود، بلکه به عنوان منفعت یاد نموده و خواهان جبران آن توسط غاصبین هستند. قانونگذار نیز در صورت وجود اختلاف ارزش پول در زمان‌های مذکور، در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، ضمان ناشی از کاهش ارزش پول را با شرایطی تأیید نموده است. همچنین هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳، کاهش ارزش پول را جزء غرامات دانسته است.^۲ در میان فقها نیز سید یزدی از معدود

ب - دعوی خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه دیده است مانند حد قذف و قصاص»

۱. مبنی بر تحصیل مال از طریق نامشروع، موضوع ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری.
۲. «... بایع ضامن است و باید ثمن را مسترد دارد و در صورت جهل مشتری به وجود فساد، از عهده غرامات وارد شده بر مشتری نیز برآید و چون ثمن در اختیار بایع بوده است، در صورت کاهش ارزش ثمن و اثبات آن، با توجه به اطلاق عنوان غرامات در ماده ۳۹۱ قانون مدنی، بایع قانوناً ملزم به جبران آن است...»

افرادی است که مطلقاً چنین ضمانی را پذیرفته است (سؤال و جواب ۲۷۹)؛ اما آیت‌الله مکارم شیرازی تورم را در صورت افزایش فاحش، ضمان آورمی داند (استفتائات جدید ۲: ۲۹۴). در مقابل، مطابق ادعای آیت‌الله شاهرودی، مشهور علمائ قائل بر عدم ضمان این نوع خسارات هستند (مجله فقه اهل بیت ۲: ۴۸)؛ همچنان که فقهای همچون آیات عظام بهجت، تبریزی و سیستانی به صراحت ضمان ناشی از تورم را نمی پذیرند (استفتائات ۳: ۱۰۱). پاسخ نامه شماره ۲۵۲۸ مورخه ۷۵/۷/۲۴ به پرسش کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی و پاسخ نامه مورخ ۱۵/۲/۷۵ ق. به کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی). با این وجود، با توجه به نظر قانون‌گذار، ضمان قهری افزایش ارزش پول غصب شده بر ذمه غاصبین قرار می‌گیرد؛ اگرچه مشهور فقهای امامیه چنین ضمانی را نمی پذیرند.

نتیجه

- این پژوهش با بررسی ماهیت چک بین بانکی و تعیین غاصبین بر اساس آن و بیان شیوه‌های اعاده حق و جبران خسارات مال باخته، نتایج به دست آمده را چنین بیان می‌دارد:
۱. از منظر فقهی و حقوقی، ماهیت چک بین بانکی، نوعی سند دین در ذمه است.
 ۲. در صورتی که چک بین بانکی را مال بدانیم، ضمان قهری «کارمندی که اقدام به صدور غیرمجاز چنین چکی نموده است» ثابت خواهد شد؛ اما در صورتی که این چک را سند بدانیم، این ضمانت، منتفی است. در مقابل، «دارنده چک بین بانکی» و «اشخاص ثالث دریافت‌کننده پول حاصل از چک مذکور» طبق هر دو نظریه مذکور درباره ماهیت چک بین بانکی، (سند یا مال بودن چک بین بانکی)، در مقابل مال باخته، مسئول هستند.
 ۳. در صورت وجود مال مغضوب در دست ذوالید، تنها کسی که مال در دست اوست، مکلف به ارجاع مال به مال باخته است.
 ۴. در فرض تلف پول غصب شده، غاصبین مکلف به استرداد مثل آن هستند و در صورتی که استرداد مال غصب شده موجود، امکان پذیر نباشد، باید بدل حیلولة را بپردازند.
 ۵. اگر مال باخته جهت دریافت خسارات به غاصب متلف عالم به غصب رجوع نماید، وی

(غاصب عالم) حق مراجعه به هیچ یک از غاصبین را ندارد؛ اما اگر به غیر متلف مراجعه نمود وی (غاصب غیرمتلف) می‌تواند یا به غاصب متلف یا به غاصبین بعد از خود جهت دریافت خسارات ناشی از تلف مال، مراجعه نماید.

۶. ضمان ناشی از تلف مال مغضوب بر عهده کسی است که عالم به غصب بوده است.

۷. براساس قانون، مال باخته جهت دریافت عوض منافع مستوفاة و غیر مستوفاة و افزایش ناشی از کاهش ارزش پول غصب شده خود، می‌تواند به غاصبین رجوع نماید؛ اگرچه مشهور فقهای امامیه، ضمان ناشی از تورم و کاهش ارزش پول را نمی‌پذیرند.

فهرست منابع

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن علی. عوالي اللئالی العزیزیه. قم: دارسید الشهداء للنشر، چاپ ۱۴۰۵ هـ. ق.
۲. اسکینی، ربیعا. حقوق تجارت، تهران: سازمان سمت، چاپ ۲۴، ۵۱۳۹۶ هـ. ش.
۳. انصاری، مرتضی بن محمد امین. کتاب المکاسب. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ ۱، ۱۴۱۵ هـ. ق.
۴. بهجت، محمد تقی. استفتاءات. قم: دفتر حضرت آیت الله بهجت، چاپ ۱، ۱۴۲۸ هـ. ق.
۵. پرون، بهروز. بررسی حقوقی چک در قانون تجارت. تهران: نشر قانون یار، چاپ ۱، ۱۳۹۵ هـ. ش.
۶. جمعی از مؤلفان. مجله فقه اهل بیت علیهم السلام. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، چاپ ۱، بی تا.
۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ ۱، ۱۴۰۹ هـ. ق.
۸. حلّی، یحیی بن سعید. الجامع للشرائع. قم: مؤسسه سید الشهداء العلمیه، چاپ ۱، ۱۴۰۵ هـ. ق.
۹. رشتی، میرزا حبیب الله. کتاب الغصب. چاپ ۱، بی تا، بی نا، بی تا.
۱۰. سبزواری، سید عبد الأعلى. مهذب الأحكام. قم: مؤسسه المنار، چاپ ۴، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۱۱. سبزواری، محمدباقر. کفایة الأحكام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ ۱، ۱۴۲۳ هـ. ق.
۱۲. شهید اول، محمد بن مکی. الدروس الشرعية فی فقه الإمامیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ ۲، ۱۴۱۷ هـ. ق.
۱۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی. الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. قم: کتاب فروشی داوری، چاپ ۱، ۱۴۱۰ هـ. ق.
۱۴. _____ . مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ ۱، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۱۵. طوسی، ابو جعفر محمد بن علی. الوسيلة إلى نیل الفضیلة. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ ۱، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۱۶. عاملی، سید جواد. مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ ۱، ۱۴۱۹ هـ. ق.

۱۷. علامه حلّی، حسن بن یوسف. تلخیص المرام فی معرفة الأحکام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ ۱، ۱۴۲۱ ه.ق.
۱۸. فاضل آبی، حسن بن ابی طالب یوسفی. کشف الرموز فی شرح مختصر النافع. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ ۳، ۱۴۱۷ ه.ق.
۱۹. قمی، سید تقی طباطبایی. عمدة المطالب فی التعليق علی المکاسب. قم: کتاب فروشی محلاتی، چاپ ۱، ۱۴۱۳ ه.ق.
۲۰. محقق حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن. شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ ۲، ۱۴۰۸ ه.ق.
۲۱. محقق داماد، سید مصطفی. قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ ۱۲، ۱۴۰۶ ه.ق.
۲۲. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین. منهج المؤمنین. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ ۱، ۱۴۰۶ ه.ق.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر. استفتائات جدید. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، چاپ ۲، ۱۴۲۷ ه.ق.
۲۴. _____ . القواعد الفقهية. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، چاپ ۳، ۱۴۱۱ ه.ق.
۲۵. _____ . أنوار الفقاهه. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، چاپ ۱، ۱۴۲۵ ه.ق.
۲۶. _____ . بحوث فقهية هامة. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، چاپ ۱، ۱۴۲۲ ه.ق.
۲۷. منتظری، حسین علی. رساله استفتاءات. قم، چاپ ۱، بی نا، بی تا.
۲۸. موسوی خمینی، سید روح الله. تحریر الوسيلة. قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ ۱، بی تا.
۲۹. _____ . توضیح المسائل (محشی امام خمینی «ره»). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ ۸، ۱۴۲۴ ه.ق.
۳۰. _____ . زبدة الأحکام. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ ۱، ۱۴۰۴ ه.ق.
۳۱. _____ . کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ۱، ۱۴۲۱ ه.ق.

۳۲. موسوی خویی، سید ابوالقاسم. منهاج الصالحین. قم: نشر مدینه العلم، چاپ ۲۸، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۳۳. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا. بلغة الطالب فی بیع المکاسب. قم: چاپخانه خیام، چاپ ۱، ۱۳۹۹ هـ.ق.
۳۴. نجفی، محمد حسن. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ ۷، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۳۵. نراقی، احمد بن محمد، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ ۱، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۳۶. یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی. سؤال و جواب. تهران: مرکز نشر العلوم اسلامی، چاپ ۱، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۳۷. موسوی گلپایگانی، بلغة الطالب فی التعليق علی بیع المکاسب، قم، چاپخانه خیام، چاپ ۱، ۱۳۹۹ هـ.ق.
۳۸. نجفی (کاشف الغطا)، محمد حسین بن علی بن محمدرضا، تحریر المجلة، نجف: المكتبة المرتضوية، چاپ اول، ۱۳۵۹ هـ.ق.
۳۹. شهیدی، محمد تقی، چک بین بانکی؛ برگرفته از سایت مدرسه فقاہت به آدرس: www.eshia.ir/feqh
۴۰. چک های بین بانکی؛ برگرفته از سایت بانک سپه به آدرس: www.banksepah.ir
۴۱. چک بانکی بین بانک ها؛ برگرفته از سایت بانک ملی به آدرس: bmi.ir/fa/services
۴۲. چک های بین بانکی؛ برگرفته از سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به آدرس: www.cbi.ir/showitem